

تحلیل برون داده‌های غلبه جریان عقل‌گرایی اعتدالی بر نص‌گرایی افراطی در مهدویت‌پژوهی سده اخیر حوزه علمیه قم^۱

ابوذر رجیبی^۲

سیدمحمد کاظمی شیخ شبانی^۳

چکیده

در ادیان الهی - به ویژه دین اسلام و مذهب تشیع - نسبت به متون دینی، به طور کلی، با دو نگرش و رهیافت مواجه هستیم: «نص‌گرایی» و «عقل‌گرایی». جریان نص‌گرا، در فهم دین محوریت و اصالت را به متن داده و بر فرع و حاشیه بودن عقل تأکید می‌کند و جریان عقل‌گرا (اعتدالی)، ضمن پایبندی به متن، برای عقل نیز شأن کشف معارف دینی قائل است. حوزه علمیه قم در سده اخیر، شاهد حضور این دو جریان در صحنه مهدویت‌پژوهی بوده است. جریان عقل‌گرای اعتدالی با نقد تک‌ساحتی بودن روش نص‌گرایان افراطی، بین عقل و متن و پایایی و پویایی باورداشت مهدویت پیوند و آشتی برقرار کرده و مبارزات علمی بر جریان نقل‌گرای افراطی غالب شد. پژوهش پیش‌رو، از آن‌جا که به دنبال کشف برون داده‌های غلبه جریان عقل‌گرایی اعتدالی بر نص‌گرایی افراطی حوزه علمیه قم در مهدویت است و به توصیف و تحلیل نتایج غلبه تفکر عقل‌گرایی بر نص‌گرایی در آن آموزه می‌پردازد، و بر مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی مبتنی است؛ از نظر روش اجرای تحقیق، توصیفی - تبیینی خواهد بود.

واژگان کلیدی: عقل‌گرایی، نص‌گرایی، حوزه علمیه قم، مهدویت، فهم دین، انتظار سازنده.

۱. این مقاله با حمایت دبیرخانه همایش یکصدمین سالگشت بازتاسیس حوزه علمیه قم و دستاوردها و نکوداشت

آیت‌الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری رحمته‌الله تألیف شده است.

rajabi@maaref.ac.ir

۲. دانشیار گروه مبانی نظری اسلام، دانشگاه معارف اسلامی، قم، ایران

smksh1368@gmail.com

۳. دانش‌پژوه سطح چهار حوزه علمیه قم، ایران (نویسنده مسئول)

طرح مسئله

در تاریخ معرفت دینی، مکاتب و روش‌های گوناگونی پدید آمده و در پیشبرد معارف اسلامی نقش آفرینی کرده‌اند. با نگاهی به تاریخ معرفت شیعی، به طور کلی می‌توان به دو رویکرد «عقل‌گرا» و «نص‌گرا» اشاره کرد (شمس ناتری، ۱۳۹۳: ص ۷۶). در تاریخ کلام شیعه و آغاز عصر غیبت کبریا، غلبه با جریان نص‌گرا بود و از شیخ صدوق می‌توان به عنوان نماینده این جریان نام برد (بحرانی، ۱۳۶۳: ج ۱، ص ۱۷۰ و حرعاملی، ۱۴۲۳: ج ۱، ص ۴۴۶). با تلاش‌های علمی شیخ مفید، سید مرتضی و شیخ طوسی معارف دینی و کلام اسلامی از سیطره گرایش نص‌گرا خارج شد و در قرن‌های بعد غلبه با فقها، مفسران اصولی و متکلمان بود و سیطره اندیشه‌های نقل‌گرای رخت بریست و در انزوا قرار گرفت. در قرن یازدهم هجری، محمد امین استرآبادی به احیای روش محدثان نقل‌گرا همت گماشت و به طور رسمی، مکتبی نص‌گرا درون مذهب شیعه پا گرفت و با عنوان «اخباریگری» رشد و نمو یافت (بهشتی، ۱۳۹۰: ص ۱۶). در این مکتب، نقل بر عقل تقدم دارد و نص، نقش محوری را در معرفت دینی ایفا می‌کند. رکن اصلی و بنیادین این مکتب، منحصر دانستن منابع معرفت دینی به روایات اهل بیت علیهم‌السلام است. این رویکرد هر چند بر تبیین آموزه‌های اعتقادی اسلام اثرگذار بود و در رشد اندیشه‌های اسلامی نقش مهمی داشت؛ به دلیل تک‌بعدی بودن، بسندگی به نص و جمود بر نصوص موجود پیامدهایی را به حوزه دین‌شناسی تحمیل کرد و به عنوان مانعی بزرگ بر سر راه بالندگی و پویایی معارف دینی قرار گرفت (یوسفیان و شریفی، ۱۳۷۵: ص ۱۸۳).

با مبارزات علمی آقاوحید بهبهانی و تلاش‌های گسترده شیخ مرتضی انصاری، عرصه جولان علمی بر نص‌گرایان افراطی تنگ شد و زمینه افول و به محاق رفتن این جریان و دوره شکوفایی و رشد مکتب اجتهادی و عقل‌گرایی اعتدالی - نه عقل بسندگی و راسیونالیسم - فراهم شد (بهشتی، ۱۳۹۰: ص ۸۹). جریان عقل‌گرا با اعتقاد به عقیم بودن روش تک‌بعدی در فهم دین که دارای نتیجه‌ای ناقص است؛ برای آن‌که از ابعاد دیگر دین باز نماند و به طور خاص مهدویت را به گستره‌ای خاص محدود نکند؛ با رویکردی تازه میان عقل و نقل آشتی برقرار کرد و از آن‌جا که باور دارد مهدویت، دارای خاستگاه قرآنی، عقلی و روایی است، با مجموعه‌نگری به معارف دینی، در منظومه معارف الهی و جمع میان عقل و وحی روش جدیدی را بنا نهاد



(الهی نژاد، ۱۳۹۸: ص ۱۷). به تعبیر دیگر، این عالمان دینی با اعتقاد به چند تباری بودن و تنوع و تعدد مسائل در حوزه مهدویت پژوهی، بر این باورند که روش نقل‌گرا به تنهایی به فهم جامع از باورداشت مهدویت قادر نیست. بنابراین، این گفتمان در عرصه روش‌شناسی مستلزم چند روشی است و برای استنباط معارف مهدوی به صورت مجموعه‌نگر به روش‌های دیگری نیز نیازمند است (خسروپناه، ۱۳۸۲: ص ۱۴۸).

چراغ جریان نص‌گرایی افراطی - که مشخصاً از آن در این تحقیق به «مکتب اخباری‌گری» یاد می‌کنیم - به عنوان رویکردی دین‌شناسانه در حوزه فقه، به‌رغم افولش به طور کامل خاموش نشد و تفکرات این جریان، در شکل‌ها و قالب‌های دیگری در ساحت‌های گوناگون دینی ظهور و بروز کرد (مطهری، ۱۳۸۹: ج ۲۱، ص ۱۰۹). عدم حضور برجسته آموزه‌های قرآنی و یافته‌های عقلانی، به عنوان گوهری ثمین در دایره شناخت معارف دینی و التزام و تعصب شدید به ظواهر روایات، پیامدهای فراوانی را در معرفت دینی برجای گذاشت. همین امر سبب شد، در سدهٔ اخیر، عده‌ای از عالمان دینی در حوزه علمیه قم، با بینشی عمیق و اندیشه‌ای انیق در برابر این نگرش عقیم در فهم معارف وحیانی و روشی ناکارآمد در پاسخ به سوالات و شبهات نوپدید و اسلوبی ناقص در ارائه برنامه و راهکارهای مناسب برای نیازهای حیات بشری؛ رهیافتی عقلانی و اجتهادی به جامعه علمی معرفی و اصول و مؤلفه‌های آن را تبیین و ترویج کنند. بنابراین، مجدّدانه در برابر قشری‌گری و ظاهرگرایی قدم علم کردند و برای مقابله با تحجر و سطحی‌اندیشی در ساحت گفتمان مهدویت طرحی نو در انداختند (حیدری، ۱۴۳۷: ص ۳۳-۲۶).

استمرار و تداوم اخباری‌گری و وجود ریشه‌ها و رسوبات فکری آن در مباحث اخلاقی، استنباطات فقهی، رهیافت‌های تفسیری و مسائل کلامی؛ به‌ویژه مهدویت سبب می‌شد گفتمان مهدویت همچون دیگر معارف دینی، از آسیب‌ها و پیامدهای منفی این تفکر در امان نماند و مهدویت را به گفتمانی خنثا و خاموش و مقوله انتظار را به باوری حداقلی تنزّل دهد. با حضور فعالانه جریان عقل‌گرای حوزه علمیه قم در سده اخیر، عملاً مبارزه‌ای علمی شکل گرفت و با گسترش عقلانیت دینی در حوزه مهدویت، صحنه این مبارزه به نفع جریان عقل‌گرا تغییر پیدا کرد. با تلاش این اندیشمندان عقل‌گرا، باورداشت مهدویت در بی‌راهه سطحی‌نگری و تاریک‌راه



ظاهرگرایی نیفتاد و به طور چشمگیری از تفکرات انحرافی به دور ماند و این اندیشمندان مانع نشستن آفات رویکرد نص‌گرایی بر دامن گفتمان حیات‌بخش مهدویت شدند (جوادی آملی، ۱۳۹۶: ص ۱۹-۱۸).

عالمان جامع‌نگر معتقدند برای اعتلای گفتمان مهدویت، باید چهره این اندیشه حیات‌بخش را به عقلانیت و جامع‌نگری آراست و دامانش را از خوانش‌های سطحی و انحرافی پیراست. این دغدغه علمی و سیر تحول و تطور در مهدویت پژوهی سبب شد تا مطالعات مهدوی از کنشگری منفعلانه به روندی منضبطانه و فعالانه، و قرائت ایستا از مهدویت به خوانشی پویا، و انتظار خاموش به انتظاری فعال، و مهدویت حداقلی به حداکثری ترقی یابد (بیانات در دیدار جمعی از استادان و فارغ‌التحصیلان مرکز تخصصی مهدویت، ۱۳۹۰/۴/۱۸).

این پژوهش از آن‌جا که به دنبال کشف برون‌دادهای غلبه جریان عقل‌گرایی اعتدالی بر نص‌گرایی افراطی در مهدویت است و به توصیف و تحلیل نتایج غلبه تفکر عقل‌گرایی بر نص‌گرایی در آن آموزه می‌پردازد و بر مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی مبتنی است؛ از نظر روش اجرای تحقیق، توصیفی-تبیینی خواهد بود.

پایایی و پویایی در گفتمان انتظار، توجه به مسائل و پرهیز از بیان مسئله‌نماها، رصد شبهات و سوالات نوپدید و پاسخ متناسب به آن‌ها، کاربست منجی‌گرایی در جهت تقریب مذاهب و ایجاد تمدن جدید اسلامی و تشکیل حکومت دینی و ترویج نظریه ولایت فقیه از برون‌دادهای غلبه تفکر عقل‌گرایی بر نص‌گرایی است.

به عنوان پیشینه، تنها به مقاله «پیامدهای سیاسی بازتولید اندیشه اخباری‌گری بر گفتمان انقلاب اسلامی»، از داود فیض‌افرا و دیگران، می‌توان اشاره کرد که در پژوهش مذکور، بر برون‌دادهای غلبه جریان عقل‌گرایی اعتدالی بر نص‌گرایی افراطی در آموزه مهدویت اشاره‌ای نشده و این مسئله را در سده اخیر حوزه علمیه قم مورد بحث و تحقیق قرار نداده است. بنابراین، می‌توان گفت، پژوهش پیش‌رو، در میان تحقیقات گذشته سابقه‌ای ندارد و به نوبه خود ابداعی و بدون پیشینه است.



بروندادهای غلبه جریان عقل‌گرایی اعتدالی بر نص‌گرایی افراطی در مهدویت

«عقلانیت اعتدالی شیعی»، رویکردی است که در آن بر نقش قوه عقل در کنار معارف وحیانی برای کسب شناخت و معرفت دینی تأکید می‌شود و درصدد است که گزاره‌های دینی را با استدلال عقلانی تبیین کند؛ یعنی در تبیین معارف دینی بیش‌ترین نقش را به عقل می‌دهد (طباطبایی، ۱۳۷۹: ج ۲، ص ۲۴۷ و مطهری، ۱۳۸۹: ج ۲۴، ص ۵۲۴). در واقع، این جریان از میان ابزارهای شناخت بر عقل تأکید فراوانی دارد و آن را منبع مستقلی در کنار منابع معرفتی دیگر (نقل، شهود و حس) می‌داند. بر اساس باور اینان، همان‌گونه که نصوص و ظواهر نقلی منبع معرفت دینی شناخته می‌شوند؛ عقل نیز باید مرجع معتبری در فهم معارف دینی به‌شمار آید.

به باور اینان، عقلانیت، فصل‌میز انسان از حیوان است و همه انسان‌ها از قوه درک بدی و تشخیص مناسبی از آن، برخوردارند؛ چون همه انسان و عاقل آفریده شده‌اند. مراد از عقل و عقلانیت در این رهیافت عقل قدسی و الهی است.

این عقلانیت، در درون جهان‌بینی اسلام و مستنبط از منابع اصیل اسلام است. اگرچه عقل‌گرایی شیعی، دارای رویکردهای چهارگانه کلامی، فقهی، فلسفی و عرفانی است؛ در بدو شکل‌گیری با حاکمیت عقل‌گرایی کلامی با محوریت شیخ مفید و بعد شاگردانش بر تمرکز فهم دین با محوریت عقل و نقل تأکید داشتند.

اینان بر این باورند که ارتقای اندیشه دینی، به واسطه خردورزی و اعتماد بر عقل صورت می‌گیرد. رکود و رخوت در دین‌ورزی محصول تعطیلی عقل است و نتیجه آن، جمود بر لفظ و ظواهر دینی خواهد بود. پویایی خردورزی در پرتو اجتهاد دینی سبب می‌شود که با عبور از ظاهر متن، معنای عمیق‌تری از معارف دینی کشف گردد. عقل، ابزار و منبع مناسبی برای یافتن این معنای عمیق است. عقلانیت اجتهادی، دین را صرف ظواهر نصوص نمی‌داند، بلکه بر این باور است که شارع از روی عمد و هدفمند، بسیاری از عرصه‌ها را فاقد حکمی خاص رها کرده است تا مکلفان با مراجعه به عقل و به شرط مخالفت نداشتن با نص، مسیر هدایت و آموزه‌های ناب اسلامی و الهی را بیابند. خداوند با ارائه اصول کلی در نصوص، میدان فراخ و گسترده‌تری را با اجتهاد دینی برای جولان و نقش‌آفرینی عقل در زندگی مؤمنان در نظر گرفته است



(طباطبایی فر، ۱۳۹۵: ص ۱۳۴).

جریان عقل‌گرایی اعتدالی شیعی، قرائتی از دین را پذیرفته است که حضور دین را به شکل حداکثری در امور مختلف فردی و اجتماعی لحاظ می‌کند؛ دقیقاً مقابل جریان‌های روشنفکری دینی که نگرش حداقلی به دین دارد و دین را به امور اخروی محدود می‌داند (بلعید، ۲۰۰۴: ص ۲۸۶؛ حائری یزدی، ۱۹۹۴: ص ۱۴۰؛ بازگان، ۱۳۷۷: ص ۶۱؛ سروش، ۱۳۷۶: ص ۲۵۷ و مجتهدشبه‌ستری، ۱۳۷۷: ص ۱۸-۲۰). طیفی از شریعت‌گرایان سنتی هم که اصل عقلانیت را می‌پذیرند، عملاً به لوازم دیدگاه روشنفکران دینی تن داده‌اند. این طیف، مبتنی بر نص‌گرایی در میان متفکران شیعی، نهایتاً به جریان اخباری ختم شد که امروزه نیز طرفدارانی دارد. در عرصه مهدویت برون‌دادهای جریان عقل‌گرا، با اخباری کاملاً متفاوت و حتی معارض خواهند بود که در ادامه به مواردی اشاره خواهیم کرد.

۱. خوانش کلان‌نگر از آموزه انتظار

باورداشت حیات‌بخش انتظار که از مهم‌ترین معارف مهدوی است و نقش موثری در زندگی فردی و اجتماعی انسان‌ها - به ویژه مسلمانان - دارد؛ می‌تواند به عنوان مبنایی برای حرکت‌ها، نهضت‌ها و به طور کلی بینش و کنش عالمان دینی و مسلمانان جهان قرار گیرد و تمامی فعالیت‌های آن‌ها را در عصر غیبت تنظیم و مهندسی کند. مبنا قرار گرفتن این باورداشت در عصر غیبت و نقش آن در زندگی بشر به میزان باور آن‌ها در گستره انتظار بستگی دارد. در بحث مهدویت پژوهی که با نگرش تحلیلی و استدلالی و با توجه به مستندات قرآن، روایی و عقلی موضوعات مهدوی مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرند؛ گفتمان انتظار نیز باید با همین رویکرد مورد ارزیابی قرار بگیرد و بازخوانی شود (الهی نژاد، ۱۳۹۸: ص ۱۸). این آموزه که نقش مهمی در هدایت‌گری و سامان‌بخشی رفتارهای دینی، سیاسی و اجتماعی مردم دارد، مفهومی قرآنی و ایده‌ای فرا اسلامی است که به عنوان یکی از مباحث مهم و جزء جدا ناشدنی مسئله مهدویت، در متون دینی، خصوصاً اسلامی و به ویژه امامیه ساحت‌های گوناگون آن مورد تأکید و تبیین قرار گرفته است و دارای ویژگی فطری است که با سرشت و نهاد آدمی آمیخته است؛ چراکه ذیل کمال‌خواهی انسان توجیه می‌شود (اعتصامی، ۱۳۹۹: ص ۱۶۳).



با مطالعه آثار برخی از عالمان دینی در حوزه مهدویت درمی یابیم که آن‌ها در اصل ضرورت انتظار، دیدگاه واحدی دارند؛ ولی در گستره مفهومی آن و وظایف منتظران در عصر غیبت، به دلیل اختلاف در روش فهم نسبت به آموزه‌های دینی دیدگاه یکسانی را مشاهده نمی‌کنیم. از منظر عالمان عقل‌گرا، انتظار ماهیت عقلی و فطری و خاستگاه درونی دارد و بنابراین، تبیین مفهوم و عمده گزاره‌ها و شاخصه‌هایی که درخصوص آن شکل می‌گیرد، تنها با روش عقلی، قابل دفاع و توجیه است و عقل، بیش از دیگر منابع معرفتی عهده‌دار تبیین، تثبیت و دفاع از بسیاری از ساحت‌های انتظار است. غفلت از کارکرد عقل در تبیین این گفتمان می‌تواند پیامدهای معرفتی خاصی بر اندیشه عالمان شیعی و حوزه مهدویت پژوهی تحمیل کند (الهی‌نژاد، ۱۳۹۵: ص ۵۰).

اعتنا به نقش عقل و برجسته بودن آن در منظومه معرفت دینی و بی‌توجهی به این نقش مهم و غفلت از آن، سبب شده است که همواره دو رهیافت و قرائت کلی نسبت به این حوزه دینی وجود داشته باشد: «رویکرد نص‌گرایی» و «رویکرد عقل‌گرایی». نگاه نص‌محور خوانش اقلی درباب مهدویت و انتظار دارد که باید آن را انتظاری منفعلانه و واپس‌گرایانه نامید. در این انتظار، هیچ‌گونه تحرک و پویایی دیده نمی‌شود و بیش از آن که به انتظار شبیه باشد، به مسئولیت‌گریزی همسانی دارد. در این رویکرد، دعا تنها نسخه شفاف‌بخش غیبت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف و عاملی شتابناز برای امر ظهور است (باقی، ۱۳۶۳: ص ۱۳۱). ناگفته نماند این نوع نگرش به مسئله انتظار، می‌تواند معلول نوعی مسئله روان‌شناختی باشد؛ چراکه نبود قدرت در دست عالمان و ناامیدی از تشکیل حکومت در عصر غیبت، می‌تواند بر قبول چنین رویکردی موثر باشد (شجاعی‌مهر و لک‌زایی، ۱۳۹۷: ص ۲۴۹).

این عالمان دینی^۱ که در فهم معارف مهدوی رویکرد روایت‌محوری را پذیرفته‌اند، با غفلت از آیات امر به معروف و نهی از منکر (آل عمران: ۱۰۴ و ۱۱۰) و آیاتی که تغییر و تحول در سرنوشت

۱. بعضی از مؤسسان و مروجان انجمن حجثیه و برخی از عالمان موسوم به «ولایتی» و «شریعت‌گرایان» سنتی (ر.ک: ارشادی‌نیا، محمدرضا، از مدرسه معارف تا انجمن حجثیه و مکتب تفکیک، ص ۲۵ و رجعی، ابوزر، آسیب‌شناسی جریان شریعت‌گرای سنتی در مواجهه با روایات منع قیام در عصر غیبت، مشرق‌موعود، سال سیزدهم، شماره ۵۰، تابستان

انسان‌ها و جامعه بشری را به اراده آن‌ها منوط کرده است و ایجاد تحول را معلول اعمال اراده و مقدمه سازی از طرف انسان‌ها می‌داند (رعد: ۱۱، نساء: ۱۵۵، مائده: ۱۳، اعراف: ۹۶، انفال: ۶۲)؛ و همچنین جمود بر برخی نصوص موجودی که مردم را در عصر غیبت به دعا و نشستن در خانه ترغیب می‌کنند (باقی، ۱۳۶۳: ص ۱۳۷، ۱۳۹، ۱۴۲ و نعمانی، ۱۳۹۷: ص ۱۹۷)؛ برای اراده انسانی در تحقق ظهور نقش برجسته‌ای قائل نیستند و معتقدند امر ظهور رخدادی ماورایی است و به علتی ماورایی نیاز دارد و زمینه‌سازی شرط ظهور نیست (بنی‌هاشمی، ۱۳۸۴: ص ۳۷۵-۳۷۶ و نصیری، ۱۳۹۹: ص ۳۱۵).

در مقابل، اندیشمندان عقل‌گرا با توجه به آیات قرآن، روایات اهل بیت علیهم‌السلام و نگرش واقع‌گرایانه به نقش عقل در فهم دین، انتظار را عنصری حرکت‌آفرین، پویا و عملی حیات بخش در عصر غیبت می‌دانند و نگاه حداقلی به انتظار را شدیداً نفی و نقد می‌کنند. این عالمان مجدد که از صحنه‌گردانان معارف دینی و اندیشه‌های کلامی در حوزه علمیه قم به شمار می‌روند، پیامدهای منفی انتظار خاموش و خنثا را به خوبی درک کرده‌اند و با نگاهی جامع به نصوص مهدوی و کاربست عقل در فهم آن‌ها، وظایف منتظران را فراتر از دعا و اعمال عبادی فردی می‌دانند و مقابله با مستکبران و دشمنان اسلام را از مصادیق مهم انتظار به حساب می‌آورند (جوادی آملی، ۱۳۹۶: ص ۱۸۴ و ۱۸۵). به تعبیر دیگر، انتظار از منظر عقل‌گرایان اعتدالی بیش از آن که «عاطفه‌گرایانه» باشد، «تکلیف‌مدارانه» است و بیش از آن که جنبه فردی داشته باشد، مقوله‌ای اجتماعی است (خامنه‌ای، ۱۳۹۶: ص ۴۶ و ۶۸ و مصباح یزدی، ۱۳۸۴: ص ۸۷). این جریان با تمسک به آیات قرآن، سنت الاهی و دلایل عقلی، رخداد ظهور را بدون خواست مردم و زمینه‌سازی محال می‌داند و بر این باور است که هرچند امر ظهور به دست خداوند متعال است؛ با توجه به سنت الاهی که همیشگی و همگانی است، تحقق ظهور باید همراه خواست مردم نیز باشد (صدر، ۱۳۸۸: ص ۲۶ و مطهری، ۱۳۷۴: ص ۱۸-۱۹).

مقام معظم رهبری در نقد انتظار ایستا و تأیید انتظار پویا چنین می‌فرماید:

انتظاری که از آن سخن گفته‌اند، فقط نشستن و اشک ریختن نیست. انتظار به معنای این است که ما باید خود را برای سربازی امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فی‌فرجه‌الکبری آماده کنیم (بیانات در دیدار قشراهی مختلف مردم ۱۳۸۱/۷/۳۰).

امام خمینی نیز به عنوان یکی از عالمان عقل‌گرا در سده اخیر که مکتب عقل‌گرایی معاصر با انقلاب اسلامی ایران به رهبری ایشان نضج و نمو یافت، با رد دعابندگی، انتظار به نشستن و تنها دست به دعا برداشتن را سطحی‌ترین و نازل‌ترین مرتبه انتظار می‌داند و می‌فرماید:

ما تکلیف داریم آقا! این طور نیست که حالا که ما منتظر ظهور امام زمان - سلام الله علیه - هستیم، پس دیگر بنشینیم تو خانه‌هایمان، تسبیح را دست بگیریم و بگوییم «عَجَلْ عَلٰی فَرَجِهِ» عَجَل، با کار شما باید تعجیل بشود؛ شما باید زمینه را فراهم کنید برای آمدن او و فراهم کردن این‌که مسلمین را با هم مجتمع کنید. همه با هم بشوید. همه با هم بشوید. ان شاء الله ظهور می‌کند (خمینی، ۱۳۸۹: ج ۱۸، ص ۲۶۹).

یکی دیگر از عالمان عقل‌گرا در دوران معاصر، تکلیف‌گریزی در عصر غیبت را نوعی انحراف دینی می‌داند. ایشان عدم کاربست عقل را در تحلیل روایات و معارف مهدوی، عامل چنین انحرافی معرفی کرده است و می‌نویسد:

عقل ما نمی‌تواند تشخیص دهد که این سخن، کلام معصوم است یا نه. ما نباید این روایات را دستور شرعی و تعبدی برای کل جامعه اسلامی در دوره آخرالزمان در نظر بگیریم. این که در دوره آخرالزمان، مسلمانان نباید بچه دار شوند؛ نباید از خانه‌هایشان بیرون روند و نباید در مسائل اجتماعی جامعه شرکت کنند، عقیده بسیار نادرستی است. این عقیده نیز که انسان باید به انتظار ظهور امام زمان عَلَيْهِ السَّلَامُ وَرَحْمَةُ الرَّحْمٰنِ گوشه‌ای بنشیند و فقط ذکر بگوید، عقیده‌ای انحرافی است (مصباح یزدی، ۱۳۸۴: ص ۸۷).

همت و دغدغه عقل‌گرایان اعتدالی در نقد خانه‌نشینی و دعابندگی در عصر غیبت و تذکر دائم بر بطلان چنین عقیده‌ای، نشان از آن دارد که این تفکر که برون‌داد تحجر است، باوری شایع در اذهان برخی عالمان دینی بوده است؛ هرچند این باور را به طور صریح در آثار قلمی خود ذکر نکرده باشند. بر اثر همین مبارزات علمی و تبیین‌های عقلانی عالمان عقل‌گرای حوزه علمیه قم در سده اخیر - به ویژه پس از انقلاب اسلامی ایران - بود که خوانش سطحی و ایستا از گفتمان انتظار جایش را به قرائتی عمیق، جامع و پویا داد و این عالمان عقل‌گرا بودند که در صحنه مهدویت‌پژوهی خودی نشان دادند و برداشت‌های انحرافی و سطحی از باورداشت انتظار را نقد و شکافی را که سال‌ها بین حقیقت انتظار و فهم عقیم و باطل آن وجود داشت و



توسط نص‌گرایان افراطی در حوزه مهدویت پژوهی و سطح جامعه تبیین و ترویج می‌شد؛ ترمیم، و خلأ معرفتی در این حوزه را پر کردند.

تفکر عقلانی در مسئله مهدویت، نه تنها در اندیشه و کنش عقل‌گرایان اعتدالی نضج و ترویج یافت، بلکه مؤسسات و اندیشکده‌هایی با همین رویکرد در حوزه علمیه قم و برخی شهرهای کشور تأسیس شد و شاگردان این مکتب با شیوه‌های گوناگون پژوهشی، اندیشه عقلانی مهدویت را در حوزه دین‌شناسی و مهدویت پژوهی ترویج داده‌اند.^۱

۲. توجه به مسائل و پرهیز از مسئله‌نماها

با توجه به گسترش خردگرایی و عقل‌بستگی در جهان و نفوذ آن در کشور توسط برخی روشنفکران دینی و همچنین پیشرفت علوم تجربی و رسوخ شبهات اعتقادی در افکار و اذهان مردم؛ تبیین عقاید مهدویت با پشتوانه عقلی و رویکرد عقلانی بیش از هر زمان دیگری ضروری می‌نماید. سوگمندانۀ ظاهرگرایی و قشری‌گری، غلبه احساسات و عواطف مذهبی بر عقلانیت دینی، فقدان محتوای کیفی و روی آوردن به محتوای کمی و شدت نجات‌خواهی سبب شده است جریان نص‌گرا با احساس امنیت کاذب مذهبی، تهدیدهای علمی و شبهات نوپدید علیه گفتمان مهدویت را به خوبی درک نکند و تحلیل اجتهادی و عقلانی از این آموزه توسط این جریان مطرح نگردد (صادقی رشاد، ۱۳۹۵: ص ۴۲). در «رویکرد روایت‌محور»، به دلیل ساختارزدگی، فقد زمانه آگاهی، عوام‌زدگی و رعایت مذاق متشرعه و ملاحظه ذایقه عوام، شهرت‌زدگی و احتیاط‌گرایی افراطی در معرفت دینی و فهم نصوص و گزاره‌های مهدوی پا را از آنچه سلف فهم کرده‌اند، فراتر نمی‌گذارد و اصولاً با هرگونه فهم جدید و بازخوانی مجدد اندیشه‌های پیشین اسلامی مخالفت می‌کند. همین امر سبب شده است نص‌گرایان افراطی در حوزه مهدویت پژوهی نتوانند به جامعه هدف خود، فهم نو و عمیقی را عرضه کنند و بی‌توجه به

۱. به عنوان نمونه، «مرکز تخصصی مهدویت» (قم)، «مؤسسه آینده روشن» (قم)، «پژوهشکده مهدویت و آینده‌پژوهی» (قم)، «فصلنامه علمی - پژوهشی انتظار موعود»، «فصلنامه علمی - پژوهشی مشرق موعود» و دیگر مراکز و مجلات مهدوی که با نگرش عقلانی در حال فعالیت هستند.

فعالیت‌های جریان رقیب و مکاتب نوپدید، مهدویت‌پژوهی را به تکرار مکررات، تحشیه‌نگاری و تعلیقه‌زنی بر آثار گذشتگان فروکاسته‌اند (همان: ص ۱۹، ۳۴ و ۴۶).

۱-۲. پاسخ‌های نو به پرسش‌های نوپدید

امروزه با گسترش ذهن فلسفی و روح پرسشگر افراد، خلق سوال‌ها و شبهات جدید امری طبیعی به نظر می‌رسد؛ اما یک‌سونگری و حصرگراییِ روش‌شناختی سبب می‌شود حقیقت و کنه مسائل مهدوی روشن نگردد و ابعاد آن تبیین نشود. در نتیجه مهدی‌پژوهان چاره‌ای ندارند جز آن‌که به سوالات جدید، پاسخ‌های کهنه عرضه کنند. بی‌توجهی به مسائل عقلی در حوزه مهدویت و تصلب بر روش نقلی مانع فهم مجموعه‌نگر و خلق نظریه‌های مهم در عرصه مهدویت می‌گردد و مهدی‌پژوه مجبور است رویکرد خنثا یا منفعلی را اتخاذ کند که در این صورت، از مواجهه فعال در برابر چالش‌های مهدوی باز می‌ماند (عرفان، ۱۳۹۹: ص ۵۰ و ۵۶). عالمان عقل‌گرا و مهدوی‌پژوهانی که رویکرد عقل‌گرایی را در پژوهش‌های خود به کار گرفته‌اند، دچار یک‌سو‌نگری نمی‌شوند و فهمی کاریکاتوری از باورهای مهدوی به جامعه هدف عرضه نمی‌کنند. این اندیشمندان دینی در مواجهه با شبهات و سوالات نوپیدا، بدون آن‌که صورت مسئله را پاک کنند و به جای حل مسئله، به حذف آن روی بیاورند، با رویکردی فعال، نیازهای مخاطبان در عرصه اندیشه مهدویت را رصد و نیازهای علمی آن‌ها را برطرف می‌کنند (همان: ص ۵۶). بنابراین، رصد شبهات و سوالات نوپدید و پاسخ متناسب به آن‌ها از مسائل مهم و اساسی در عرصه مهدویت است؛ چراکه انباشته شدن سوال‌ها و گسترش شبهات، بدون آن‌که پاسخی به آن‌ها داده شود، باورداشت مهدویت را دچار آسیب و باورهای مردم را سست می‌کند. از آن‌جا که رویکرد عقل‌گرایی اعتدالی یا همان عقل‌گرایی نقل‌پذیر از آفت نگرش تک‌بعدی و جمود در امان است، به این ضرورت پژوهی توجه داشته و با حساسیت ستودنی با تألیف کتاب‌ها^۱ و مقالات ارزشمند و همچنین طرح مباحث مهم در برخی محافل علمی به صورت

۱. کتاب «امام مهدی موجود موعود»، نوشته آیت‌الله جوادی آملی در جهت پاسخگویی به برخی شبهات وهابیت به باورداشت مهدویت شیعی نگاشته شده است.

خطابه، به دنبال ارائه پاسخ‌های مستدل و تبیین‌های عقلانی است. این مهم تنها از عهده عالمان عقل‌گرایی که به هماهنگی بین عقل و نقل اعتقاد دارند، برمی‌آید که با حضور فعالانه این مکتب در عرصه مهدویت بخش قابل توجهی از نیازها و خلأهای موجود برطرف شده است (شمس ناتری، ۱۳۹۳: ص ۷۷). آیت الله جوادی آملی با به کارگیری رویکرد آشتی بین عقل و نقل در مسئله مهدویت، در مقدمه کتاب «امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف موجود موعود»، چنین نوشته است: «کتاب حاضر با استعانت از عقل و استمداد از نقل، جریان مهدویت شخصی حضرت حجت بن الحسن المهدی موجود موعود را ارائه می‌نماید» (جوادی آملی، ۱۳۹۶: ص ۱۸-۱۹).

۲-۲. دوری از مسائل فاقد اولویت

طرح مباحث فاقد اولویت از آفت‌هایی است که دامنگیر حوزه مهدویت شده و این گفتمان انسان‌ساز را به باوری سطحی و صرفاً عاطفی تنزل داده است. همان‌طور که گفته شد، رویکرد تک‌روشی و روایت‌بستگی در فهم نصوص و معارف مهدوی نمی‌تواند زوایای پنهان این اندیشه حیات‌بخش و تحول‌آفرین را بازکاوی کند، بنابراین بدون توجه به حقایق نهفته در این باورداشت عظیم، به طرح مباحث کمّی و حجیم و بدون اولویت پژوهی بسنده می‌شود (سلیمیان، ۱۳۹۹: ص ۱۲). این توسعه کمّی در مباحث مهدویت و عدم توجه به کارایی و اثربخشی آن‌ها در رفع خلأهای معرفتی و گسترش نظریه‌ها در عرصه معارف مهدوی، برون‌داد عدم درک اهمیت موضوع و عدم توجه به تهدیدهای جریان در حوزه مهدویت است.

بیان مسائل غیرمفید و طرح مباحث فاقد اولویت در پژوهش‌ها و فعالیت‌های مهدوی، همچون خطابه‌های دینی، آفتی است که دامنگیر اندیشه مهدویت شده و در مواردی زمینه تخریب مکتب تشیع را فراهم کرده است (نوری، ۱۳۹۳: ج ۱، ص ۶۶). عالمان عقل‌گرایی حوزه علمیه قم در سده اخیر به این مسئله التفات داشته‌اند و با فهم دقیق و عمیق از معارف اسلامی و آشنایی با اوضاع زمانه - که در روایات، این فهم دقیق و آشنایی با اوضاع زمانه به عنوان ویژگی علمای تراز بیان شده است -^۱ و همچنین رصد فعالیت‌های جریان رقیب از طرح آن‌ها در

۱. امام صادق علیه السلام: «العالمُ بِزَمَانِهِ لَا تَهْجُمُ عَلَيْهِ الْوَأْيُسُ؛ شبهات به کسی که زمانه خود را بشناسد هجوم نمی‌آورد» (کلینی،

۱۴۰۷: ج ۱، ص ۲۷).

عرصه مطالعات مهدوی امتناع کردند و به مسائل ثمربخش آن پرداختند. با این که در برخی از تالیفات مهدوی، مباحث غیر ضروری همچون احوال شخصی امام، فرزندان، همسر، محل سکونت، تشرفات و رؤیاهایی که به راحتی قابل اثبات نیستند، طرح شده است؛^۱ اما عالمان عقل‌گرای حوزه علمیه قم بیان چنین مسائلی را فاقد ارزش معرفتی قلمداد می‌کنند و با نقد چنین رویه‌ای مهدوی‌پژوهان را به نگرشی اجتماعی و عقلانی به مسائل مهدوی دعوت می‌کنند (عرفان، ۱۳۹۵: ص ۵۰ و ۶۱). مقام معظم رهبری ضمن انتقاد به بیان تشرفات افراطی و معارف سطحی از مهدویت چنین بیان می‌دارد:

همه آحاد مردم توجه داشته باشند این ادعاهای اتصال و ارتباط و تشریف به حضرت و دستور گرفتن از آن بزرگوار، هیچ کدام قابل تصدیق نیست. بزرگان ما، برجستگان ما، انسان‌های با ارزشی که یک لحظه عمر آن‌ها ارزش دارد به روزها و ماه‌ها و سال‌های عمر امثال ما، چنین ادعاهایی نکردند (دیدار قشربانی مختلف مردم در روز نیمه شعبان، ۱۳۸۷/۵/۲۷).

ایشان در دیدار جمعی از استادان، مؤلفان و فارغ‌التحصیلان مرکز تخصصی مهدویت ضمن مهم خواندن اندیشه مهدویت و لزوم پاسداری از باورهای مهدوی در برابر شبهات معاندان و مهدویت ستیزان؛ مهدوی‌پژوهان را به کار عالمانه در حوزه مهدویت توصیه می‌کنند و می‌فرمایند:

کار عالمانه و مستند درباره موضوع مهدویت و انتظار نیز بر عهده اهل فن و متخصصانی است که علم حدیث و رجال را به خوبی می‌دانند و با مسائل و تفکرات فلسفی آشنایی کامل دارند (دیدار جمعی از استادان و فارغ‌التحصیلان تخصصی مهدویت ۱۳۹۰/۰۴/۱۸).

ایشان کارهای عامیانه، سطحی، غیرمستند و متکی بر توهمات و تخیلات را از خطرهای بزرگ در حوزه مهدویت می‌دانند و این امور را به عنوان زمینه‌ساز مدعیان دروغین مهدویت و دوری مردم از حقیقت واقعی انتظار معرفی می‌کنند.

۱. ر.ک: امینی گلستانی، محمد، سیمای جهان در عصر امام زمان عجل الله تعالی فرجه؛ هاشمی شهیدی، سید اسدالله، زمینه‌سازان انقلاب جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه، ساده، مجتبی، الفجر المقدس المهدی ارهاصات الیوم الموعود و احداث سنه الظهور و نوری طبرسی، میرزاحسین، نجم ثاقب در احوال امام غایب.

تطبیق قطعی علایم آخرالزمان که در برخی روایات ذکر شده است، از دیگر آسیب‌های روایت بسندگی و ظاهرگرایی افراطی است که حتی برخی عالمان برجسته دینی که نمی‌توان روایت بسندگی را به آن‌ها نسبت داد، به آن دچار شده‌اند و شاید بتوان ادعا کرد که دلیل وجود چنین تطبیق‌هایی (که مستند و معیار معتبری برای اثبات و راستی آزمایشی آن‌ها وجود ندارد) شدت نجات‌خواهی، غلبه احساسات مذهبی بر عقلانیت دینی و روایت محوری یا پذیرش گسترده روایات این باب است (ابن طاووس، ۱۴۰۹: ج ۲، ص ۶۰۰؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۲، ص ۲۴۳؛ ج ۵۷، ص ۲۱۶). برخی از عالمان معاصر نیز به اتصال قطعی انقلاب اسلامی ایران به انقلاب جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف باور دارند؛ در حالی که هیچ دلیل قطعی و علمی بر صحت چنین ادعایی وجود ندارد (طباطبایی، ۱۳۹۰: ص ۴۲۸ و جعفریان، ۱۳۹۰: ص ۷۶۲-۷۶۳).

مقام معظم رهبری به عنوان یکی از عالمان عقل‌گرای اعتدالی حوزه علمیه قم، این نوع تطبیق‌گرایی را سبب مهجور ماندن اندیشه مهدویت دانسته و می‌فرماید:

همه این موارد غلط و انحرافی است؛ زیرا برخی مطالب درباره علائم ظهور، غیرقابل استناد و ضعیف است و مطالب معتبر را هم نمی‌توان به راحتی تطبیق داد. این‌گونه مطالب غلط و انحرافی، باعث می‌شوند، حقیقت اصلی مهدویت و انتظار مهجور بماند. بنابراین، باید به شدت از کارها و شایعات عوامانه پرهیز کرد (دیدار جمعی از استادان و فارغ‌التحصیلان تخصصی مهدویت ۱۳۹۰/۴/۱۸).

هرچند نمی‌توان مدعی شد که طرح مباحث غیرضروری و فاقد اولویت به کلی از صحنه مهدویت‌پژوهی معاصر رخت بر بسته و به انزوا خزیده است؛ می‌توان ادعا کرد با حضور عالمان عقل‌گرای سده اخیر در حوزه علمیه قم، به اندازه قابل توجهی چهره گفتمان مهدویت به عقلانیت دینی و جامع‌نگری آراسته، و دامنش از نگرش‌های سطحی، انحرافی، خرافی، بی‌اهمیت و فاقد اولویت پیراسته شده است. این اتفاق مهم در عرصه مهدویت‌پژوهی، مرهون مبارزات علمی و دغدغه‌های دینی این جریان است. هشدارهای مکرر نمایندگان این جریان نسبت به ورود برخی مطالب خرافی و فاقد اولویت و ترسیم نقشه راه و ترویج رویکرد عقلانی نسبت به آموزه‌های مهدوی، بهترین گواه بر مدعای مذکور است (همان).



۳. همپایی با تحولات روز و ابزار جدید

«تفقه» در دین بدون در نظر گرفتن نشر یافته‌ها و معارف دینی، امری عقیم و ابتر است. عالم دینی همان‌طور که به تفقه در دین مامور است، نسبت به انتشار اندیشه‌های الهی ماموریت دارد (توبه: ۱۲۲؛ احزاب: ۳۹ و نحل ۳۵). بدون ارتباط بین انسان‌ها جامعه‌ای تشکیل نمی‌شود؛ چرا که سنگ بنای جامعه و پدیدار گشتن فرهنگ بدون ارتباط ممکن نیست. یکی از ابزارهای ارتباط بین یکایک افراد جامعه، رسانه است؛ وسیله‌ای که فرستنده، پیام مورد نظر خود را به گیرنده منتقل می‌کند. روزنامه، فیلم، عکس، مجله، رادیو، تلویزیون، ماهواره، اینترنت و به طور کلی همه تکنولوژی‌هایی که پیام‌ها را به مخاطبان خود در نقاط مختلف جهان، یک کشور و یا یک منطقه می‌رسانند، می‌توانند به عنوان مصادیق رسانه به شمار روند. هنر نیز به عنوان یک پدیده همه‌پسند که با تمامی ذائقه‌های مردم جهان سازگاری دارد، در نشر معارف مهدوی به صورت گسترده بسیار موثر است. رسانه در بسیاری از موارد محتوای خود را در قالب هنر به جامعه هدف منتقل می‌کند و این رسالت رسانه بسته به ایدئولوژی صاحبان آن، یا در خدمت معارف الهی است و یا در جهت ارضای غرایز نفسانی و خواسته‌های شیطانی بشر به کار می‌رود. آلوین تافلر معتقد است عرصه نبرد آینده را رسانه‌ها می‌سازند که از گلوله‌های سلاح‌های جنگی خطرناک و کشنده‌ترند (عرفان، ۱۳۹۴: ص ۲۰ و ۲۳).

مقام معظم رهبری به عنوان یکی از عالمان عقل‌گرای معاصر در حوزه علمیه قم، به اهمیت رسانه تاکید دارد و می‌فرماید:

امروز تأثیر رسانه‌ها و تلویزیون‌ها و هنرها و این شبکه‌های عظیم اطلاع‌رسانی اینترنتی و... از سلاح و از موشک و از بمب اتم بیش‌تر است. امروز دنیا، یک چنین دنیایی است. روزبه‌روز هم دارند این میدان را گسترش می‌دهند (بیانات پس از بازدید از سازمان صدا و سیما، ۱۳۸۳/۰۲/۲۸).

باتوجه به گسترش ابعاد و مسائل مربوط به اندیشه نجات‌گرایانه مهدویت، گره خوردن زندگی بشر امروزی با رسانه‌های گوناگون و نقش مستقیم رسانه‌ها در تغییر و تقویت باورها، سبک زندگی، شناخت و رفتار انسان‌ها، تجدید نظر در روش فهم و نشر معارف مهدوی بیش از گذشته رخ می‌نماید؛ چرا که با در نظر گرفتن اوضاع فکری و فرهنگی جامعه امروزی و ضرورت



گره زدن اندیشه حیات بخش مهدویت به زندگی مردم و تعمیق معارف مهدوی در جامعه؛ مهدوی پژوهان باید در بازخوانی و بازنگری در روش فهم و بازتاب اندیشه مهدویت طرحی نو دراندازند. عدم توجه به این دو مهم، جز خاک خوردن معارف مهدویت در گوشه کتابخانه‌ها و منزوی شدن در اذهان مهدوی پژوهان نتیجه‌ای نخواهد داشت (فردرو، ۱۳۹۲: ص ۴۶ و عرفان، ۱۳۹۴: ص ۲۴).

از آن جا که نص‌گرایی افراطی در حوزه دین‌شناسی نوعاً به سکولاریسم ختم می‌شود، از منظر سکولارهای مذهبی، حضور دین در عرصه رسانه و نشر آن توسط رسانه‌های جمعی امری لغو و مردود به حساب می‌آید و آنان عملاً بین مهدویت و رسانه نسبت و ارتباطی قائل نیستند و این دو عرصه را بیگانه از یکدیگر معرفی می‌کنند (عرفان، همان، ص ۳۱). این جریان بر خلاف جریان رقیب در حوزه مهدویت، در برابر فرهنگ مدرنیته و مظاهر غربی منفعل و اساساً از رویارویی با سیطره تمدن غرب روی‌گردان است. نص‌گرایان در عصر غیبت صحنه نبردی برای شیعیان در برابر هژمونی غرب تعریف نمی‌کنند و اساساً سیطره غرب را پذیرفته و رویارویی با این قدرت را لغو تلقی می‌کنند. به بیانی دیگر، این مهدوی پژوهان نص‌گرا با نگاه حداقلی به مقوله انتظار و اعتقاد به انتظار ایستا و خاموش در عصر غیبت، وظیفه‌ای برای خود در امور اجتماعی و سیاسی قائل نیستند (نصیری، ۱۳۹۹: ص ۲۳۸، ۲۴۶، ۲۸۸).

از دیگر دلایل انفعال و دوری از فعالیت‌های رسانه‌ای و عدم توجه به نقش رسانه در پیشبرد اهداف دینی در عصر غیبت؛ آن است که صاحبان این رویکرد حضور در مناسبات و اظهار نظر در این امور را خلاف شأن اجتماعی و رسالت دینی خود می‌دانند و همین امر سبب شده است در مباحث مهدوی به چنین موضوعاتی نپردازند. امروزه جریان رقیب برای گسترش اندیشه آخرالزمانی خود به طور گسترده و حساب شده از سلاح رسانه استفاده می‌کند و به منظور زمینه‌سازی ظهور از آن بهره می‌برد؛ اما در مکتب شیعی عده‌ای نص‌گرا با ناامیدی از اصلاح‌گری اجتماعی در عصر غیبت و انفعال در برابر امپریالیسم تمدنی غرب و باور به سیطره آن در تمامی ابعاد فردی و اجتماعی بشر؛ رویارویی با این تمدن همه‌گیر و فراگیر را غیرممکن و سلطه سیاسی و فرهنگی غرب را پذیرفته‌اند و اساساً به کاریست رسانه در جهت مهدوی‌باوری و زمینه‌سازی ظهور اعتقادی ندارند (موسوی، ۱۳۹۸: ص ۴۶ و نصیری، ۱۳۹۹: ص ۲۳۸، ۲۴۶،

۲۸۸). البته ممکن است برخی نمایندگان جریان نص‌گرا در فضای رسانه حضور داشته باشند؛ ولی صرف حضور با توصیه جدی نسبت به انتشار معارف مهدوی در قالب‌ها و شیوه‌های گوناگون در فضای رسانه به عنوان ضرورتی اساسی در دوران مدرنیته بسیار متفاوت است. با توصیه عالمان عقل‌گرا به استفاده درست و حساب‌شده از قدرت و زبان رسانه به منظور ترویج معارف مهدوی و تقویت باورهای دینی نسل جوان، روز به روز شاهد افزایش رسانه‌های گوناگون برای بازنمایی اندیشه مهدویت و تولید محتوای رسانه‌ای در سطح کشور هستیم. مهدوی‌پژوهان عقل‌گرا نیز به اهمیت رسانه در نشر معارف مهدوی توجه دارند و نگارش‌ها کتاب، مقاله، پایان‌نامه در موضوع ارتباط معارف مهدوی و رسانه و همچنین برگزاری همایش‌های گوناگون بدین منظور، شاهدهی بر این ادعاست. هفتمین همایش بین‌المللی دکترین مهدویت با عنوان «رسانه، جامعه و حکومت زمینه‌ساز راهبردها و راهکار»، یکی از چندین برنامه جمعی در بحث ضرورت حضور رسانه در مهدویت‌پژوهی معاصر است. کتاب‌های «رسانه و آموزه مهدویت»، نوشته امیرمحسن عرفان، «آیین برنامه‌سازی مهدویت»، از محمد رضایی آدریانی و همچنین دو جلد کتاب «رسانه و زمینه‌سازی ظهور»، تالیف حسین عساریان‌نژاد و مهدی رضائیان از آثار قلمی مطرح در این موضوع است.

۴. کاربرد منجی‌گرایی در جهت همگرایی مذاهب و ایجاد تمدن جدید اسلامی

تمدن‌سازی در جامعه دینی به معنای پایه‌گذاری تمدن، بر اساس دین و پذیرش مرجعیت دین در ایجاد و تقویت تمدن‌سازی است (عرفان، ۱۳۹۳: ص ۸۲). در دیدگاه عالمان عقل‌گرا، دین اسلام نه تنها برای سعادت معنوی و اخروی بشر، بلکه برای سعادت و خوشبختی دنیوی او نیز برنامه دارد (خمینی، ۱۳۸۹: ج ۲۱، ص ۴۰۲ و ج ۵، ص ۱۶۹ - ۱۶۷ و خسروپناه، ۱۳۸۲: ص ۹۱). از منظر این عالمان، ضرورتی ندارد که اسلام در جزئی‌ترین مسائل حیات بشری دخالت کند و برای حل آن‌ها ایده‌ای ارائه کند؛ ولی از دین انتظار می‌رود که در زمینه هرآنچه به سعادت بشر در زندگی دنیوی و اخروی مربوط و در جهت هدایت بشر است؛ طرح و برنامه‌ای را به انسان تعلیم دهد (طباطبایی، ۱۳۷۹: ج ۱۲، ص ۳۲۵). شهید مطهری در تأیید جامعیت قرآن در ساحت‌های مادی و معنوی و همچنین عدم دخالت دین در جزئیات زندگی بشری



می نویسد:

بعضی‌ها جمود به خرج می‌دهند و خیال می‌کنند که چون اسلام دین جامعی است، پس باید در جزئیات هم تکلیف معینی روشن کرده باشد؛ نه، این طور نیست. اتفاقاً جامعیت اسلام ایجاب می‌کند که اساساً در بسیاری از امور دستوری نداشته باشد (مطهری، ۱۳۸۹: ج ۲۱، ص ۱۹۴).

«تمدن»، به عنوان کلان‌ترین نظام مناسبات انسانی و تمدن‌سازی به معنای عینیت‌بخشی به اسلام اجتماعی با در نظر گرفتن بضاعت‌های عصر غیبت که در اندیشه و کلام رهبر انقلاب اسلامی بروز و ظهور یافته، یکی از مسائل مهمی است که در سده اخیر حوزه علمیه قم توسط عالمان عقل‌گرا مورد بحث و گفت‌وگوی علمی واقع شده و زوایایی پنهان آن مورد واکاوی قرار گرفته است. رهبر انقلاب ضمن تأکید بر ضرورت ایجاد تمدن جدید اسلامی و مقابله با تمدن فراگیر و همه‌گیر غرب، «تمدن‌سازی» را این‌گونه تعریف می‌کند:

تمدن نوین اسلامی که ما مدعی‌اش هستیم و دنبالش هستیم و انقلاب اسلامی می‌خواهد آن را به وجود بیاورد، بدون این بخش تحقق پیدا نخواهد کرد. اگر آن تمدن به وجود آمد، آن وقت ملت ایران در اوج عزت است؛ ثروت هم دنبالش هست، رفاه هم دنبالش هست، امنیت هم دنبالش هست، عزت بین‌المللی هم دنبالش هست؛ همه چیز با او خواهد بود، همراه با معنویت (بیانات در دیدار جوانان استان خراسان شمالی، ۱۳۹۱/۷/۲۳).

تصلب بر مظاهر احساسی و عاطفی و احساسی مهدویت و نادیده گرفتن کارکردهای اجتماعی آن و همچنین عدم کاربست مقوله انتظار، به عنوان عقیده مشترک بین‌الادیانی، فراملی و فرامذهبی در تقویت روابط اجتماعی و نظام بخشی به اجتماع مردم و مسلمانان؛ از برون‌دادهای نگرش نص‌گرایی افراطی در آموزه مهدویت است (صدر، ۱۴۱۷: ص ۵۴). تمدن جدید اسلامی از رهگذر وحدت و همدلی پیروان ادیان ابراهیمی و غیرابراهیمی می‌گذرد. به دلیل موثر بودن وحدت در حفظ کیان اسلام و مذهب تشیع، عالمانی چون آیت‌الله بروجردی و امام خمینی به آن تأکید فراوان داشتند و به سلوک رفتاری و گفتاری، مبتنی بر همدلی و ارتباط در قالب احترام متقابل اصرار می‌کردند (خمینی، ۱۳۸۹: ج ۲، ص ۳۱-۳۰ و مطهری، ۱۳۷۲:



ص ۲۰۴). با آموزه مهدویت و گفتمان انتظار می‌توان همبستگی و هویت اجتماعی بین مردم مسلمان، پیروان ادیان آسمانی و حتی سایر مردم جهان ایجاد کرد؛ اما سوگمندانۀ ظاهرگرایی و جمود اندیشی که برون‌داد رویکرد نص‌گرایی در معرفت دینی است، سبب شده از ظرفیت کامل و واقعی مهدویت غفلت شود؛ به فطری بودن منجی‌گرایی توجه نشود و آثار و نتایج مورد انتظار از آن اندیشه مبارک ملاحظه نگردد (ملکی‌راد، ۱۳۹۷: ص ۱۱۹ و ۲۳۶؛ نصیری، ۱۳۹۹: ص ۱۷)؛ حتی برخی از نواخباریان که ضرورت وحدت را درک نکرده‌اند، مقابل این دستور راهبری اسلام ایستادند و عملاً با چنین رهیافتی مقابله کردند.^۱ این غفلت و عدم توجه به ظرفیت گفتمان انتظار و اندیشه مهدویت، احتمالاً ناشی از عدم باور به تشکیل حکومت و ناامیدی از تشکیل حکومت در عصر غیبت است که نتیجه این دو امر اعتقاد به ظهور حصولی - نه تحصیلی - خواهد بود. عالمان نص‌گرا به دلیل عدم بهره‌گیری از معارف وحیانی و داده‌های عقلانی در منظومه معرفت دینی، اساساً به زمینه‌سازی ظهور و تشکیل حکومت در عصر غیبت باور ندارند و همین امر کافی است تا اعتقادی به فطری بودن انتظار نداشته باشند و به تبع، برای ایجاد تمدن جدید اسلامی و وحدت بین ادیان و جوامع بشری از آن بهره نگیرند (بنی‌هاشمی، ۱۳۸۴: ص ۳۷۵-۳۷۶).

عقل‌گرایان تمدن‌ساز که به ظهور تحصیلی و باور به ضرورت زمینه‌سازی ظهور در عصر غیبت اعتقاد دارند، معتقدند با کاربری تمدنی و توجه فطرت نجات‌خواه و منجی‌گرایی فطری در عرصه حیات فرهنگی و اجتماعی، و چشم‌پوشی از سایر تمایزات عقیدتی و فکری و تمرکز بر این عقیده مشترک بین الادیانی، می‌توان با وحدت و همگرایی بین ملت‌ها راه را برای رسیدن به تمدن جدید اسلامی هموار کرد (الهی‌نژاد، ۱۳۹۵: ص ۱۱). این رویکرد مهم و حرکت‌آفرین، از دیدگاه عالمان عقل‌گرا به عنوان آرمان نظام جمهوری اسلامی معرفی شده است. این اندیشمندان دینی بر خلاف جریان نص‌گرا که اساساً رسیدن به تمدن جدید اسلامی در عصر غیبت را غیر ممکن می‌دانند، با تکیه بر معارف قرآنی، روایی، سنت‌های الهی و داده‌های عقلی رسیدن به چنین هدفی را ممکن و جامعه اسلامی را از یأس و ناامیدی در مقابله

۱. ر.ک: حقیقت وحدت در دین و حکمت عید الزهراء، یعسوب الدین جویباری، ص ۶۴.

با تمدن غرب برحذر می‌دارند. از منظر رهبر انقلاب، هرچند شکل‌گیری تمدن بر پایه اسلام به صورت حقیقی و اجرای عدالت واقعی تنها در زمان ظهور حضرت حجت عَلَيْهِ السَّلَامُ وَرَحْمَةُ السَّمَوَاتِ رخ می‌دهد؛ این، بدان معنا نیست که رسیدن به چنین قله‌ای - هرچند مرتبه‌ای پایین‌تر از عصر ظهور - در عصر غیبت ممکن نباشد. ایشان در این باره چنین اظهار می‌کند:

کسانی که در گذشته‌ای نه چندان دور آیهٔ یأس می‌خواندند و نه تنها اسلام و مسلمین، بلکه اساس معنویت و دینداری را در برابر هجوم تمدن غرب، از دست‌رفته می‌پنداشتند، امروز سر بر افراشتن اسلام و تجدید حیات قرآن و اسلام، و متقابلاً ضعف و زوال تدریجی آن مهاجمان را به چشم می‌بینند و با زبان و دل تصدیق می‌کنند. من با اطمینان کامل می‌گویم: این هنوز آغاز کار است، و تحقق کامل وعده الهی، یعنی پیروزی حق بر باطل و بازسازی امت قرآن و تمدن نوین اسلامی در راه است (پیام به کنگره عظیم حج، ۱۳۸۷/۹/۱۷).

همان‌طور که گفته شد، تمدن‌سازی بدون توجه به وحدت ادیان و مذاهب کاری ناشدنی و غیرممکن است. بدون شک، هویت اصلی و رکن اساسی تمدن بر پایه وحدت و هم‌بستگی شکل می‌گیرد. به هر اندازه که به سمت وحدت حرکت کنیم، به آرمان میانی (تمدن‌سازی) و مطلوب نهایی (ظهور) نزدیک‌تر شده‌ایم. با بهره‌گیری از آموزه انتظار، می‌توان حرکت در مسیر وحدت را سرعت و جهت داد. این رویکرد کلان که جزو محکّمات قرآنی (بقره: ۲۱۳؛ آل عمران: ۱۰۳ و ۱۰۵؛ انفال: ۴۶)؛ و روایی (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ص ۴۴۶ و نهج البلاغه: خ ۱۸) است؛ مسیر حرکت علمی و کنش‌های سیاسی و اجتماعی عالمان عقل‌گرا و تمدن‌ساز را با چنین رهیافت مهمی تنظیم و سنجش می‌کند. این مهدوی‌پژوهان معاصر با نگاه منظمه‌ای به معارف دینی و بهره‌گیری از اقیانوس بی‌کران معارف قرآن و روایات^۱، به چنین معرفت عمیقی دست یافته‌اند. خداوند

۱. قال رسول الله ﷺ: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ، أَلَا إِنَّ رَبَّكُمْ وَاحِدٌ وَإِنَّ أَبَاكُمْ وَاحِدٌ، أَلَا فَضَّلَ لِعَرَبِيٍّ عَلَى عَجَمِيٍّ، وَلَا لَأَسْوَدٍ عَلَى أَحْمَرَ، وَلَا لِأَحْمَرَ عَلَى أَسْوَدٍ إِلَّا بِالتَّقْوَى؛ مردم! آگاه باشید که پروردگارتان یکی است و پدرتان [نیز] یکی است. بنابراین، بدانید که نه عربی را بر عجم، و نه عجمی را بر عرب، و نه سیاهی را بر سفید، و نه سفیدی را بر سیاه برتری است، مگر به تقوا» (کراجکی، ۱۳۹۴: ص ۲۱).

متعال به پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید:

﴿قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ﴾؛ ای اهل کتاب! بیاوید به سوی سخنی که میان ما و شما یکسان است؛ که جز خداوند یگانه را نپرستیم و چیزی را همتای او قرار ندهیم؛ و بعضی از ما، بعضی دیگر را- غیر از خدای یگانه- به خدایی نپذیرد. هرگاه [از این دعوت] سرباز زنند، بگویند: گواه باشید که ما مسلمانیم (ال عمران: ۶۴).

خداوند متعال در این آیه، به پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ دستور می‌دهد که مسلمانان و اهل کتاب را در زیر پرچم توحید گردآورد (طباطبایی، ۱۳۷۹: ج ۳، ص ۲۴۷)؛ چرا که توحید به عنوان نقطه کانونی در ادیان الهی، وجه مشترکی به حساب می‌آید و پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ماموریت دارد اهل کتاب را به این عقیده مشترک دعوت کند. با دعوت به عقیده مشترک، با وجود تمام اختلاف دینی و مذهبی و سلیق گوناگون می‌توان بین پیروان ادیان وحدت و همبستگی ایجاد کرد (مصباح یزدی، ۱۳۹۱: ج ۱، ص ۲۳۵). همان‌طور که پیامبر اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وحدت در عقیده را به عنوان مهم‌ترین عامل وحدت ایجاد کرد و مردم را زیر پرچم لا اله الا الله گرد آورد؛ می‌توان با الگوگیری از این حرکت نبوی و دعوت الهی از عقیده فرامذهبی مهدویت و ایمان فراملی منجی‌گرایی، بین دل‌های مردم پیوندی برقرار و پیروان ادیان ابراهیمی و غیر ابراهیمی را به وحدت و همدلی دعوت کرد و در آخر با شکل‌گیری اتحاد، مسیر تمدن‌سازی اسلامی را پیمود (مطهری، ۱۳۸۹: ج ۲۳، ص ۷۴۳).

۵. ارائه الگوی عینی حکمرانی سیاسی در عصر غیبت

«حکومت»، قدرت سازمان‌یافته‌ای است که مصالح افراد جامعه، نظم و امنیت کشور، هدایت جامعه در مسیر خود را با وضع و اجرای قوانین و نظارت بر حسن اجرای آن‌ها، تامین می‌کند (شبان‌نیا، ۱۴۰۱: ص ۳۵)؛ و حکومتی که مطابق شرع اسلام شکل گرفته باشد، «حکومت اسلامی» است که در تمام زمینه‌ها، شئون و لوازم حکومت و حتی اطاعت از والیان امر از قانون الهی تبعیت می‌کند و هدف از تشکیل آن، اجرای عدالت و قوانین الهی است (خمینی، ۱۳۸۸:



ج ۲، ص ۶۲۳ و ۶۳۲). در دوران معاصر تشکیل حکومت در عصر غیبت یکی از چالش‌های جدی در محافل علمی به شمار می‌رود. این مسئله سال‌ها مورد اختلاف عالمان دینی بوده و دیدگاه‌های مهمی در مورد آن شکل گرفته است. تمرکز مباحث علمی در این زمینه بر این امر نضج یافته که آیا در دوران غیبت، غیرمعصوم می‌تواند حکومتی بر پایه اسلام تشکیل دهد و به بیان دیگر، آیا تشکیل حکومت در عصر غیبت ضرورت دارد یا خیر؟ در طول تاریخ عالمان شیعی پاسخ‌های گوناگونی به این پرسش داده و هرکدام با رویکرد و روش خاص خود به این مسئله مهم پرداخته است. عده‌ای اساساً تشکیل حکومت را نه تنها برای فقیه، بلکه شأن و وظیفه معصوم را نیز تشکیل حکومت و حاکمیت سیاسی نمی‌دانند و تنها جایگاه و شخصیت امام معصوم را به «قطب معنوی» تعریف می‌کنند (امیرمعزی، ۱۳۹۵: ص ۲۹۱).

نص‌گرایان افراطی و برخی شریعت‌گرایان سنتی که با عنوان نواخباریان از آن‌ها نیز یاد می‌شود (رجبی، ۱۳۹۸: ص ۱۴۲)؛ با بی‌توجهی به معارف قرآنی، معرفت‌های عقلانی و نگرش ناقص و جزیره‌ای به روایات منع قیام قبل از ظهور، مشروعیت حکومت در عصر غیبت را انکار و هرگونه حرکت اصلاح‌گرایانه را برای زمینه‌سازی ظهور نفی می‌کنند (امیرمعزی، ۱۳۹۵: ص ۲۹۱، باقی، ۱۳۶۳: ص ۱۰۶ و آل‌سیدغفور، ۱۳۸۶: ص ۳۰-۳۲). نص‌گرایان افراطی با نگرش بُرشی و ناقص به مجموعه معارف دینی و دوری جستن از هرگونه مظاهر سیاسی و حاکمیتی، به لحاظ بینشی، به سکولاریسم باور دارند و از لحاظ کنشی می‌توان شاهد جهت‌گیری‌های سکولار آن‌ها بود (ارشادی‌نیا، ۱۳۸۶: ص ۲۵). نص‌گرایان افراطی به سبب خلوص‌سازی و روی آوردن به رویکرد محتاطانه در فهم و نشر معارف اسلامی و نگرانی از ورود مباحث غیردینی به حیطة دین؛ نگران حضور دین در عرصه اجتماع هستند و به مشروعیت حکومت در عصر غیبت به دیده تردید می‌نگرند. البته ممکن است بسیاری از نمایندگان جریان نص‌گرا و نواخباری صریحاً مشروعیت تشکیل حکومت در عصر غیبت را انکار نکنند؛ ولی عدم اشاره یا تمرکز به این مهم در آثارشان، نشان از آن دارد که اساساً به دنبال ارائه الگوی عینی حکمرانی سیاسی در عصر غیبت نیستند یا ارائه چنین الگویی را ممکن نمی‌دانند. این احتیاط‌گرایی هرچند در برخی موارد ممکن با نیت و هدفی مقدس باشد؛ بدون شک چنین رویه محتاطانه‌ای، جز مهجوریت معارف مهدوی و گفتمان انتظار و ناکارآمدی آموزه‌های دینی، ثمری نخواهد داشت.

امام خمینی به عنوان یکی از عالمان عقل‌گرای تمدن‌ساز، با ژرف‌اندیشی و واکاوی فقیهانه، ضمن معارض دانستن این گونه روایات با محکمت قرآن و دلایل محکم عقلی، با نقد تفکرات انجمن حجتیه و معتقدان به عدم مشروعیت قیام قبل از ظهور، روایات منع قیام قبل از ظهور را تضعیف و برخی از آن احادیث را جعلی می‌دانند (امام خمینی، ۱۳۸۸: ص ۶۵-۶۴). ایشان در این باره بیان می‌دارند:

از غیبت صغرا تا کنون که بیش از هزار سال می‌گذرد و ممکن است صد هزار سال دیگر بگذرد و مصلحت اقتضا نکند که حضرت تشریف بیاورد؛ در طول این مدت مدید احکام اسلام باید زمین بماند و اجرا نشود، و هر که هر کاری خواست بکند؟ هر ج و مرج است؟ قوانینی که پیغمبر اسلام در راه بیان و تبلیغ و نشر و اجرای آن ۲۳ سال زحمت طاقت‌فرسا کشید فقط برای مدت محدودی بود؟ آیا خدا اجرای احکامش را محدود کرد به دویست سال؟ و پس از غیبت صغرا اسلام دیگر همه چیزش را رها کرده است؟ اعتقاد به چنین مطالبی یا اظهار آن‌ها بدتر از اعتقاد و اظهار منسوخ شدن اسلام است... هر که اظهار کند که تشکیل حکومت اسلامی ضرورت ندارد، منکر ضرورت اجرای احکام اسلام شده، و جامعیت احکام و جاودانگی دین مبین اسلام را انکار کرده است (همان، ص ۲۸-۲۷).

پرچم دار ضرورت تشکیل حکومت در عصر غیبت، تنها امام خمینی نبود، بلکه عالمان دیگری که در مکتب عقل‌گرای حوزه علمیه قم رشد کرده بودند نیز، ضمن باور به ارتباط بین دین با حکومت و سیاست، روایات منع قیام قبل از ظهور را جعلی می‌دانند (جوادی آملی، ۱۳۸۴: ص ۷۳). سید مصطفی خمینی در این باره می‌نویسد:

عصر خلفای جائز اقتضای جعل این گونه اخبار را داشته و دلیل آن هم خاموش کردن شعله‌های آتش علیه حکومت بوده و این مطلب کاملاً واضحی در همه زمان‌ها و مقتضای کار حیل‌گران است و حقیقتاً کدام نیرنگی بهتر و کارا تر از جعل احادیث علیه قیام از زبان امامان شیعه است؟ (خمینی، ۱۳۷۶: ص ۶۳).

با مبارزات علمی عالمان عقل‌گرای حوزه علمیه قم در سده اخیر، بر غنای علمی نظریه ولایت فقیه سال به سال افزوده شد و آثار گرانبهایی از طرف عالمان این مکتب بر جای مانده است. ولایت فقیه صرفاً در حد یک نظریه فقهی و کلامی باقی نماند، بلکه با انقلاب اسلامی و حرکت



امام خمینی به این نظریه ارزشمند جامعه عمل پوشیده شد. به تعبیر دیگر، نظریه ولایت فقیه در حصار تحقیق باقی نماند، بلکه عالمان عقل‌گرای حوزه علمیه قم به دنبال تحقق آن در سطح جامعه بودند و با مبارزات علمی و سیاسی این امر محقق شد، بنابراین، باید انقلاب اسلامی ایران را برونداد عملی رویکرد عقل‌گرایی اعتدالی در حوزه مهدویت دانست.



نتیجه‌گیری

حوزه علمیه قم، به عنوان یکی از بزرگ‌ترین مجموعه‌های علمی، فرهنگی، آموزشی و پژوهشی در دانش الهیات و از پررونق‌ترین مراکز پرورش و تربیت طلاب علوم دینی شیعه در جهان اسلام؛ در طول حیات خود شاهد مکتب‌ها و اندیشه‌های گوناگون با روش‌های مختلف فهم دین بوده است. «عقل‌گرایی» و «نص‌گرایی» به عنوان دو رویکرد کلی در فهم معارف دینی مهم‌ترین مکاتب معرفتی در حوزه دین‌شناسی بوده که هر کدام از این دو مکتب، در زمانی خاص صحنه‌گردان اصلی معرفت دینی بوده است. در سده اخیر و مخصوصاً پس از انقلاب اسلامی ایران، شاهد حضور برجسته جریان عقل‌گرا و غلبه آن بر جریان نص‌گرا بوده‌ایم. جریان نص‌گرای افراطی که همان امتداد مکتب اخباری‌گری قرن یازدهم هجری است؛ به دلیل داشتن روش تک‌بعدی در فهم معارف مهدوی و پاسخگو نبودن به نیازهای جامعه و عقب ماندن از اقتضائات و حرکت علمی و تبلیغی جریان رقیب در حوزه مهدویت، نتوانست در سده اخیر جریان غالب در حوزه علمیه قم باشد و جریان عقل‌گرای اعتدالی به دلیل باور به چندساحتی بودن روش فهم دین توانست به نیازهای جامعه پاسخگو باشد و از جریان رقیب عقب نماند. جریان عقل‌گرا با ژرف‌نگری و اعتماد به حقایق وحیانی، معارف روایی و داده‌های عقلانی باورداشت مهدویت را بازکاوی کرد و قرائتی پویا، فعال و جامع از گفتمان انتظار به جامعه علمی و مذهبی هدیه داد. این جریان با در نظر گرفتن فعالیت‌های علمی جریان رقیب در حوزه مهدویت، بیش از جریان نص‌گرا احساس مسئولیت کرد و با خوانشی مجموعه‌نگر و عمیق به مسائل اصلی و اولویت‌دار گفتمان مهدویت پرداخت و از پرداختن به شبه‌مسئله‌ها و مطالب فاقد اولویت خودداری کرد. این جریان به اهمیت تکنولوژی و رسانه باور داشت و ضمن توجه به تهدیدهای رسانه، فرصت‌ها و ظرفیت‌های آن را در نظر گرفت و معارف مهدوی را در قالب‌های گوناگون رسانه‌ای به جامعه هدف عرضه کرد. جریان عقل‌گرا که به ظهور تحصیلی و ضرورت زمینه‌سازی برای امر ظهور باور دارد، تقریب مذاهب و همبستگی پیروان ادیان الهی و غیرالاهی را مقدمه ایجاد تمدن جدید اسلامی و مقدمه ساز ظهور می‌داند و از عنصر منجی‌گرایی به عنوان امری فطری و فرادینی بهره می‌برد و در حالی که بسیاری از نص‌گرایان افراطی حضور در مناصب حاکمیتی را خلاف شأن دین و عالم دینی می‌دانستند و مطلقاً در برابر حکومت‌ها حرکت ایجابی یا سلبی



نداشتند؛ عقل‌گرایان اعتدالی به سبب برتری علمی و قوت استدلال در توجیه و اقناع جامعه، توانستند هم در صحنه علمی یکه‌تاز میدان باشند و هم به تشکیل حکومت اسلامی و به دست گرفتن حاکمیت دینی موفق شوند.



منابع

قرآن کریم.

۱. ابن منظور، محمد بن مكرم (۱۴۱۴ق). *لسان العرب*، محقق: جمال الدين ميردامادی، بيروت، دارالفکر.
۲. ارشادی نیا، محمدرضا (۱۳۸۶). *از مدرسه معارف تا انجمن حجّتیّه و مکتب تفکیک*، قم، بوستان کتاب.
۳. استرآبادی، ملا محمدامین (۱۴۲۶ق). *الفوائد المدنیة و بذیله الشواهد المکیة* (المسائل الظهیریة، جوابات المسائل الظهیریة)، محقق: رحمت الله رحمتی اراکی، قم، نشر اسلامی.
۴. اعتصامی، محمد مهدی (پاییزو زمستان ۱۳۹۹). «*مؤلفه های اصلی انتظار و فطری بودن حقیقت آن*»، مجله جامعه مهدوی، شماره ۲.
۵. الهی نژاد، حسین (۱۳۹۵). *بررسی و تحلیل انتظار در اهل سنت ظرفیت شناسی انتظار در میان اهل سنت*، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۶. _____ (۱۳۹۵). *مهدویت پژوهی (مسئله شناسی، معرفت شناسی و مبانی شناسی)*، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۷. آل سیدغفور، سیدمحسن (۱۳۸۶). *جایگاه سیاسی عالم دینی در دو مکتب اخباری و اصولی*، قم، بوستان کتاب.
۸. امیرمعزی، محمد علی (۱۳۹۵). *تشیع ریشه ها و باورهای عرفانی*، مترجم: نورالدین الله دینی، تهران، نامک.
۹. باقی، عمادالدین (۱۳۶۳). *در شناخت حزب قاعدین زمان (موسوم به انجمن حجّتیّه)*، تهران، نشر دانش اسلامی.
۱۰. بلعید، صادق (۱۴۲۵ق). *القرآن و التشریح قراءه جدیده فی آیات الاحکام*، بیروت، منشورات الحلبي الحقوقیه.
۱۱. بنی هاشمی، سیدمحمد (۱۳۸۴). *رازی نهانی و رمزبیدایی*، تهران، نیک معارف.
۱۲. بهشتی، ابراهیم (۱۳۹۰). *اخباریگری تاریخ و عقاید*، قم، دارالحديث.
۱۳. پژوهشکده مهدویت و آینده پژوهی (۱۳۹۸). *چکیده مقالات بین المللی نظریه انتظار در اندیشه حضرت آیت الله خامنه ای*، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۱۴. حائری یزدی، مهدی (۱۹۹۴م). *حکمت و حکومت*، انگلستان، نشر شادی.

۱۵. جعفریان، رسول (بهاره ۱۳۹۰). «**نظریه اتصال دولت صفویه با دولت صاحب الزمان** عجل الله تعالی فرجه الشریف»، پیام بهارستان، شماره ۱۱.
۱۶. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۶). **امام مهدی موجود موعود**، قم، اسراء.
۱۷. _____ (۱۳۸۴). **ولایت فقیه ولایت فقاہت و عدالت**، قم، اسراء.
۱۸. _____ (۱۳۹۸). **منزلت عقل در هندسه معرفت دینی**، محقق: احمد واعظی، قم، اسراء.
۱۹. جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۳۷۶). **المصاحح: تاج اللغة و صحاح العربیة**، محقق: احمد عبدالغفور عطار، بیروت، دارالعلم الملايين.
۲۰. حیدری، سیدکمال (۱۴۳۷ق). **میزان تصحیح الموروث الروائی**، بغداد، مؤسسه الامام جواد للفکر و الثقافه.
۲۱. خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۶). **طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن**، تهران، صیبا.
۲۲. خسروپناه، عبدالحسین (زمستان ۱۳۸۲). «**آسیب شناسی دین پژوهی معاصر**»، قبسات، شماره ۲۸.
۲۳. _____ (۱۳۸۲). **گستره شریعت**، قم، نشر معارف.
۲۴. خمینی، سید روح الله (۱۳۸۸). **ولایت فقیه (حکومت اسلامی)**، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س).
۲۵. _____ (۱۳۸۹). **صحیفه امام**، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۲۶. _____ (۱۳۸۸). **کتاب البیع**، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۲۷. خمینی، سید مصطفی (۱۳۷۶). **ثلاث رسائل ولایت الفقیه**، قم، مؤسسۀ تنظیم و نشر آثار الامام الخمینی.
۲۸. رجبی، ابوذری (تابستان ۱۳۹۸). «**آسیب شناسی جریان شریعت گرای سنتی در مواجهه با روایات منع قیام در عصر غیبت**»، مشرق موعود، شماره ۵۰.
۲۹. خامنه‌ای، سیدعلی (مرداد ۱۳۸۷). **بیانات در دیدار قشرهای مختلف مردم در روز نیمه شعبان**، مرداد، www.farsi.khamenei.ir.
۳۰. _____ (تیر ۱۳۹۰). **دیدار جمعی از استادان و فارغ التحصیلان مرکز تخصصی مهدویت**، www.farsi.khamenei.ir.
۳۱. سروش، عبدالکریم (۱۳۷۶). **مدارا و مدیریت**، تهران، انتشارات صراط.

۳۲. _____ (۱۳۷۷). *فربه‌تر از ایدئولوژی*، تهران، انتشارات صراط.

۳۳. _____ (۱۳۷۸). *بسط تجربه نبوی*، تهران، انتشارات صراط.

۳۴. سلیمیان، خدامراد (۱۳۹۹). *آسیب شناسی تسامح در نقل روایات مهدویت با تاکید بر آثار روایی معاصر*، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

۳۵. سید بن طاووس (بی‌تا). *جمال الأسبوع بکمال العمل المشروع*، قم، دارالرضی.

۳۶. سید رضی، محمد بن حسین (۱۴۱۴ق). *نهج البلاغه*، مصحح: صبحی صالح، قم، هجرت.

۳۷. شاکری زوردهی، روح‌الله و زهرا عواطفی (بهار ۱۳۹۷). «*بایسته‌های رسانه اخلاق‌گرا در آموزه‌های مهدویت، معطوف به هم‌گرایی و تقریب مذاهب*»، فصلنامه مشرق موعود، شماره ۴۵/۲.

۳۸. شبان‌نیا، قاسم (۱۴۰۱ق). *فلسفه سیاست*، قم، انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

۳۹. شجاعی‌مهر، رضا، نجف لکزایی (تابستان ۱۳۹۷). «*کاربست آموزه مهدویت در سپهر سیاسی انقلاب اسلامی ایران*»، فصلنامه مشرق موعود، شماره ۴۶/۱.

۴۰. شمس ناتری، علی (۱۳۹۳). *عقل و عقل‌گرایی در اسلام*، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی.

۴۱. صادقی‌رشاد، علی‌اکبر (۱۳۸۸). *دین‌پژوهی معاصر (درنگی در گفتمان‌های سه‌گانه‌ی متجمّد، متجدّد و مجدد)*، تهران، انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

۴۲. صدر، سید محمد (۱۴۲۷ق). *موسوعة الامام المهدي (تاریخ الغیة الكبرى)*، قم، دار الکتب الاسلامی.

۴۳. صدر، سید محمدباقر (۱۴۲۷ق). *بحث حول المهدي* عجل الله تعالی فرجه الشريف، بیروت، مرکز الغدیر.

۴۴. _____ (۱۳۸۸). *سنت‌های تاریخ در قرآن*، مترجم: سیدجمال موسی اصفهانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی.

۴۵. طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۷۹). *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

۴۶. طباطبایی، سیدمحمدکاظم (۱۳۹۰). *منطق فهم حدیث*، قم، انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

۴۷. طباطبایی‌فر، سیدمحسن (۱۳۹۵). گونه‌شناسی جریان‌های فکری حوزه و نسبت آن‌ها با اندیشه انقلاب اسلامی، قم، مکتب اندیشه.

۴۸. عرفان، امیرمحسن (پاییز ۱۳۹۵). «*اثر بخشی کارکردگرایانه آموزه مهدویت در نظام اخلاقی تمدن*

اسلامی»، فصلنامه انتظار موعود، شماره ۵۴.

۴۹. _____ (۱۳۹۴). *رسانه و آموزه مهدویت*، قم، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف.

۵۰. _____ (۱۳۹۳). *نقش باورداشت آموزه مهدویت در احیای فرهنگ و تمدن اسلامی*، قم، دفتر نشر معارف.

۵۱. فردرو، محسن (۱۳۹۲). *سبک زندگی و رسانه های نوین*، تهران، مه آسا.

۵۲. کراجکی، ابوالفتح (۱۳۹۴ق). *معدن الجواهر و ریاضة الخواطر*، محقق: سیداحمد حسینی، تهران، انتشارات کتابخانه مرتضویه.

۵۳. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). *الکافی*، تهران، دار الکتب الإسلامية.

۵۴. گلیو، رابرت (۱۳۹۶). *اسلام نص گرا (تاریخ و عقاید اخباریان شیعه)*، مترجم: سیدمهدی طباطبایی و ابراهیم سلیمی نوه، قم، دانشگاه ادیان و مذاهب.

۵۵. مجتهد شبستری، محمد (۱۳۷۷). *«قرائت رسمی از دین، بحرانشها، چاشنها، راه حل ها»*، مجله راه نو، سال اول، شماره ۱۹.

۵۶. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق). *بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار (ع)*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

۵۷. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۴). *آفتاب ولایت*، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).

۵۸. _____ (۱۳۹۶). *نظریه حقوقی اسلام*، محقق: محمدمهدی نادری قمی و محمدمهدی کریمی نیا، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

۵۹. _____ (۱۳۹۱). *نظریه سیاسی اسلام*، تدوین: کریم سبحانی، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

۶۰. مطهری، مرتضی (۱۳۸۹). *مجموعه آثار*، تهران، صدرا.

۶۱. _____ (۱۳۷۲). *تکامل اجتماعی انسان*، تهران، صدرا.

۶۲. _____ (۱۳۷۴). *قیام و انقلاب مهدی از دیدگاه فلسفه تاریخ*، تهران، صدرا.

۶۳. ملکی راد، محمود (۱۳۹۷). *کارکردهای اجتماعی اعتقاد به مهدویت*، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.



۶۴. موسوی، سیده فاطمه و سکینه عبدالعزیز (بهارو تابستان ۱۳۹۸). «کارکردهای فردی و اجتماعی باوردانشت مهدویت»، دوفصلنامه تخصصی موعودپژوهی، شماره ۱.
۶۵. نصیری، مهدی (۱۳۹۹). *عصرحیرت*، قم، انتشارات کتاب طه.
۶۶. نعمانی، محمد بن ابراهیم (۱۳۹۷ق). *کتاب الغیبه*، محقق: علی اکبر غفاری، تهران، نشرصدوق.
۶۷. نوری، حسین (۱۳۹۳). *نجم ثاقب در احوال امام غایب*، قم، مسجد مقدس جمکران.
۶۸. سایت مقام معظم رهبری www.farsi.khamenei.ir.

